



ISSN:2588-7033



Armament and Structure of the Iranian Army from the Beginning of the Sasanian Rule to the End of the Alids Rule

Mehdi Ramezani ^a, Amir Taymour Rafiei ^{b*}, Hosein Mohammadi ^c

^a PhD Candidate, Department of History, Islamic Azad University, Mahallat Branch, Mahallat, Iran

^b Assitant Professor, Department of History, Islamic Azad University, Mahallat Branch, Mahallat, Iran

^c Assitant Professor, Department of History, Kharazmi University, Tehran, Iran

KEYWORDS

armament, structure
Iranian Army
Sasanians, Alids

Received: 03 February 2024;

Accepted: 19 June 2024

Article type: Research Paper

DOI:10.22034/hsow.2024.2022053.1532

ABSTRACT

The existence of a military apparatus and militarism is of paramount importance in all states and governments. Therefore, most governments consider military forces essential for their national survival. The military readiness of any government emerging under the shadow of a powerful system is a fundamental element for national strength, stability, and the continuity of that system. Due to geographical and political circumstances, Iranian governments from the Sassanians to the end of the Alids required a strong military apparatus. The history of the Iranian army during this period reflects indicators of cultural, social, political, and military transformations, evolved in response to various challenges. The present research article seeks to illuminate the structure and armament of the Iranian army from the Sassanians to the end of the Alids. Findings indicate that due to the continuity and persistence of military methods from the Sassanian to the Islamic period, the Iranian army developed into an influential and adaptive institution during this period, playing a prominent role in military affairs and security preservation. Given the fundamental nature of the subject of this analytical-descriptive research in historical studies, the research was conducted using library sources.

* Corresponding author.

E-mail address: amirteymour_rafiei@yahoo.com

©Author





ادوات و ساختار ارتش ایران از ابتدای حکومت ساسانیان تا پایان حکومت علویان

مهدی رمضانی الف، امیر تیمور رفیعی ب*، حسین محمدی ج

الف دانشجوی دکتری تاریخ اسلام، واحد محلات، دانشگاه آزاد اسلامی، محلات، ایران، mehdi59t@yahoo.com

ب استادیار گروه تاریخ، واحد محلات، دانشگاه آزاد اسلامی، محلات، ایران، amirteymour_rafiei@yahoo.com

ج استادیار گروه تاریخ، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران، h.mohammadi@khu.ac.ir

واژگان کلیدی	چکیده
ادوات، ساختار ارتش ایران، ساسانیان، علویان	وجود دستگاه نظام و نظامی‌گری در همه دولت‌ها و حکومت‌ها از اهمیت فراوانی برخوردار است. از این رو، بیشتر حکومت‌ها، وجود نیروهای نظامی را برای بقای ملی خود ضروری می‌دانند. داشتن آمادگی نظامی هر حکومتی که در سایه وجود یک نظام قدرتمند به وجود می‌آید، از عناصر اصلی استحکام ملی و استواری و تداوم آن نظام است. حکومت‌های ایرانی از ساسانیان تا پایان علویان به جهت شرایط جغرافیایی و سیاسی، نیاز به یک دستگاه نظامی قوی داشتند. تاریخ ارتش ایران در این دوران شاخصه‌هایی از تحولات فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و نظامی را نشان می‌دهد که در مواجهه با چالش‌های مختلف، نیروهای نظامی ایران تطور یافته‌اند. این نوشتار به دنبال پاسخ به این سؤال است که وضعیت ساختار و ادوات ارتش ایران از ساسانیان تا پایان علویان چگونه بوده است؟ یافته‌ها نشان می‌دهد با توجه به تداوم و استمرار روش نظامی از ساسانیان به دوره اسلامی ارتش ایران در طول این دوره به یک نهاد مؤثر و تطابق یافته تبدیل شده و نقش بارزی در امور نظامی و حفظ امنیت داشته است. با توجه به ماهیت بنیادی موضوع این پژوهش در مطالعات تاریخی و نیز تحلیلی - توصیفی بودن نوع پژوهش حاضر و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای صورت گرفته است.
تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۱/۱۴ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۳/۳۰ مقاله علمی پژوهشی	

۱. مقدمه

باتوجه به اینکه ارتش در طبقات اجتماعی مردم از جایگاه ویژه و خاصی برخوردار بوده است می‌توان به این مطلب پی برد که حیات نظام بستگی به وجود جنگیان داشته است چرا که بدون تکیه بر این طبقه جلوگیری از تهاجمات خارجی که در آن دوران پیوسته از جهات مختلف مرزهای دولت شاهنشاهی ساسانی را مورد تهدید و تعرض قرار می‌دادند ممکن نبود. به تعبیر دیگر می‌توان ارتش را ابزار قدرت ساسانی قلمداد نمود که اعتبار بخشیدن به آن موجب تقویت ارکان و اساس دولت در داخل و موجبات سرفرازی کشور در جنگ‌ها و کسب پیروزی و موفقیت در برابر دشمنان را فراهم می‌ساخت و در ضمن ضامن بقای سایر طبقات بود و عدم وجود این طبقه و بی‌توجهی به آن می‌توانست عواقب وخیمی را برای آنان به دنبال داشته باشد. با شکست ساسانیان و پیروزی اعراب در ابتدای قرن اول هجری، ارتش ساسانی از هم پاشید و سازمان نظامی، مراکز و پادگان‌ها، آموزش و تمام دستگاه‌های مربوط به ارتش و سپاه، ضربه شدیدی خورد، ولی هیچ موقع به‌طورکلی از بین نرفت؛ بلکه آرام‌آرام و با استفاده از شرایط مناسب قسمتی از مهارت و علوم نظامی ایرانیان مجدد ایجاد و به دوران پس از اسلام ایران منتقل شد.

هدف این پژوهش بررسی وضعیت ساختار و ادوات نظامی ارتش ایران از ساسانیان تا پایان عصر علویان بوده است. همچنین تأثیرات ارتش ساسانیان بر دوران پس از ورود اعراب به ایران بررسی شده است و **باتوجه به ماهیت بنیادی موضوع این پژوهش در مطالعات تاریخی و نیز تحلیلی - توصیفی بودن نوع پژوهش حاضر و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای صورت گرفته است.**

۲. پیشینه تحقیق

در بررسی پیشینه تحقیق و جستجو در موتورهای جستجوگر، کتاب‌ها و پژوهش‌های متعددی در زمینه ارتش ایران در دوره‌های مجزا و یا به صورت کلی از ابتدا تا انتها صورت پذیرفته است؛ اما در این دوران خاص یعنی از ابتدای ساسانیان تا پایان عصر علویان و تأثیراتی که ارتش ساسانیان بر دوران پس از ورود اعراب به ایران گذاشته‌اند، پژوهشی صورت نگرفته است. در ذیل به تعدادی از مقالات که تا حدودی به موضوع این پژوهش مرتبط می‌باشد، اشاره می‌شود.

الف) «حضور دیلمیان در تشکیلات نظامی حکومت‌های متقارن» توسط ابوالحسن مبین در سال ۱۳۸۶ و در شماره ۷ نشریه پژوهش نامه تاریخ چاپ گردیده است.

ب) «بررسی مناسبات حکومت آل زیار و خلفای عباسی» نوشته شده توسط علی اکبر کجباف در سال ۱۳۸۶ و در نشریه فرهنگ اصفهان شماره ۳۷ و ۳۸ چاپ شده است.

پ) «پیاده و سواره نظام ارتش ساسانی» توسط مسلم میرزاوند که این مقاله در سال ۱۳۹۳ و در شماره ۴۰۵ ماهنامه صف چاپ شده است.

ت) «تدارکات و پشتیبانی ارتش ساسانیان در جنگ» نوشته غلامرضا کرمان و کاوه فرخ در سال ۱۳۹۴ و در شماره ۲۶ نشریه بهارستان به چاپ رسیده است.

ث) «چالش‌های مدیریت نیروهای انتظامی در سپاه یعقوب لیث صفاری» نوشته محسن مؤمنی و شپول محمدزاده در سال ۱۳۹۸ و در شماره ۶ فصلنامه علمی- ترویجی مطالعات نیروی انتظامی چاپ شده است.

۳. ادوات و ساختار نظامی ساسانیان

با شکست اشکانیان و استقرار حکومت ساسانی می‌بایست به سپاه و ارتش رسیدگی شود که نیاز اساسی حکومت محسوب می‌شد. وظیفه اصلی لشکریان و سپاهیان، محافظت از شاه و کشور بوده است. سلاح‌های مختلفی در دوره‌های هخامنشیان و ساسانیان مورد استفاده قرار می‌گرفت.

در زمان ساسانیان اردشیر بابکان نخستین کسی بود که طبقات جامعه ساسانی را منظم کرد. مسعودی در این باره می‌نویسد: «اردشیر پسر بابک پیشقدم تنظیم طبقات بود و ملوک و خلیفگان بعد پیروی او کردند. خواص اردشیر سه طبقه بودند. نخست اسواران و شاهزادگان بودند». (تسیر، ۱۳۵۴: ۵۷)

به‌طورکلی جامعه ساسانیان مبتنی بر چهار طبقه بود: ۱- روحانیان «آسروان» ۲- جنگیان «ارتیشتاران» ۳- مستخدمین ادارات «دبیران» ۴- توده ملت «روستاییان» یا واستریوشان و صنعتگران و شهریان یا «هتخشان». (هوار، ۱۳۶۳: ۱۴۱؛ پیرنیا و اقبال، ۱۳۷۰: ۲۴۰)

سامانه نظامی گری ساسانیان با اشکانیان متفاوت بود و سپاه منظم و قانونمند در عصر ساسانی شکل گرفت. شاه مهم‌ترین قدرت

نظامی به حساب می‌آمد و ارتشتاران و فرماندهان به‌عنوان طبقه بالای جامعه ساسانی، حقوق و دستمزدشان از خزانه شاهی ایران پرداخت می‌شد. (کریستن سن، ۱۳۷۰: ۱۹۳) اردشیر اول اصلاحاتی در ارتش ساسانیان صورت داد. او یک ارتش دائمی تحت فرمان خود تأسیس کرد و در عین اینکه نظام سوارکاری پارتیان (اشکانیان) را حفظ کرد، افسران ارتش را از ساتراپ‌ها و شاهزادگان و نجیب‌زادگان محلی جدا کرد.

اصلی‌ترین قسمت سپاه ساسانی اسواران (سواره‌نظام زره‌پوش) بود. نقش آنان به‌خصوص در مقابله با پیاده‌نظام امپراتور روم بسیار قابل‌ملاحظه بود و به‌راحتی شیوه جنگی آنان را به هم می‌ریخت و آن‌ها را با تیرهای تیراندازان مورد هجوم قرار می‌داد. (محمدی ملایری، ۱۳۷۵: ۲۴۴/۱؛ میرزاوند، ۱۳۹۳: ۵۱) زره سواره‌نظام تکه‌تکه بود و آزادی عمل برای آنان فراهم می‌ساخت. پشت سر اسواران فیل‌های جنگی و در انتهای لشکر نیز پیادگان - که همان روستاییان بودند و به‌اجبار به جنگ می‌آمدند- قرار داشتند. در پشت سواره‌نظام تیراندازان قرار داشتند و از فاصله دور به سمت دشمن تیراندازی می‌کردند. روش‌های نگهداری و گرفتن قلاع را ساسانیان خوب می‌دانستند و وسائل لازم را داشته و به‌خوبی به کار می‌بردند. (کریستن سن، ۱۳۷۰: ۲۲۷-۲۱۷)

دلاوران ایرانی بارها شکست‌های سختی بر ارتش و لژیون‌های رومی وارد آوردند و مانند سد مستحکمی مانع از تسلط آن‌ها بر جاده خراسان موسوم به جاده ابریشم شدند. زمانی که سپاه یولیانیوس قلعه پیروز شاپور را به محاصره درآورد از بالای قلعه نیروهای ایرانی با فلاخن، سنگ‌وکلوخ بر سر سپاه رومی ریختند. درواقع این سپاه ساسانی بود که توانست انتقام حمله مقدونی‌های اروپایی را باز پس گیرد و از آن زمان به‌عنوان یک ابرقدرت هم‌تراز در برابر رومیان ظاهر شود. (فرخ، ۱۳۸۹: ۵)

۱.۳. دستگاه اداری ارتش: شاه فرماندهی کل ارتش ساسانی را بر عهده داشت. پس از شاه، ایران سپهبد فرماندهی را برعهده داشت. دریافت حقوق سپاهیان از خزانه شاهی بود و آن‌ها می‌بایست به شاه سوگند وفاداری می‌خوردند. شخصی به نام «ایران سپهبد» یا «ارتشتاران سالار» تا زمان خسرو اول، فرمانده کل سپاه بود. او در اصل وزیر جنگ و فرمانده کل سپاه بود. به علت اهمیتی که این سمت داشت همیشه یکی از افراد خاندان شاهی عهده دار این مقام بود و زیر نظر او همیشه دو فرمانده عالی‌رتبه یکی برای تنظیم امور قشون و دیگری برای فرماندهی سواره‌نظام مشغول به کار بودند. (اینوستراتسوف، ۱۳۴۸: ۶۳)

در ارتش باید انضباط کامل رعایت می‌شد. نافرمانی از امر فرماندهان جزای سختی را در پی داشت. مجازات‌های نظامیان بیشتر جرائمی مانند خیانت به شاه، سرپیچی، سرکشی و فرار بود. خوراک مقوی سربازان در جنگ ترکیبی از نان و شیر و گوشت بود و برای کسی که جیره سربازی را می‌دزدید، مجازات بزرگی در نظر می‌گرفتند. حقوق نظامیان زمانی پرداخت می‌شد که در هنگام سان نظامی، ظاهر او و تجهیزات نظامی‌شان ایرادی نداشته باشد. ساسانیان برای اولین بار از نظام رتبه‌بندی در سلسله‌مراتب نظامی استفاده کردند. (فرخ، ۱۳۸۹: ۶)

همچنین در این دوران، سپاه بر پایه دستگاه شمارش ده‌دهی گروه‌بندی می‌شد. فرمانده سپاه، «سپاهبد» خوانده می‌شد. (نیکول، ۱۳۹۵: ۲۶) دهه‌ها رده و صدها تهم و فرمانده آن «تهم خوار» خوانده می‌شدند. یگان‌های ۵۰۰ نفره وشت و فرمانده آن «وشت سالار» نام داشته‌اند. یک یگان ۱۰۰۰ نفره، درفش نام داشت که فرمانده آن «درفش سالار» خوانده می‌شد و یگان ۵۰۰۰ نفری گند نامیده می‌شد که فرمانده آن یک «گند سالار» بود. (Farrokh, 2005: 225)

۲.۳. رسته‌های نظامی: در نیروی نظامی ساسانی رسته‌های مختلفی وجود داشته که از مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به اسواران، کمان‌داران، پایگان، دیلمیان و فیلبانان اشاره کرد. در دوره ساسانی نظامی‌گری ارثی بود و اکثر این ارتشیان از خانواده‌هایی سپاهی و تحت تربیت نظامی قرار داشتند. از بین این رسته‌ها، سواره‌نظام زره‌پوش (اسواران) ساسانی از همه بیشتر مشهور بودند. (Farrokh,

(354: 2005 در شمشیرزنی و نیزه اندازی دیلمیان مهارت داشتند (نفیسی، ۱۳۸۷: ۳۸) و پیاده نظام ارتش ساسانی پایگان بودند و در مواقعی فدایی سوار نظام می شدند و مهارت زیادی در آن بودند تیراندازی داشتند. (Wilcox, 1986: 3) در دوره ساسانیان فیل هایی را از هندوستان آورده بودند که فیلبانان سوار بر آن برای ترساندن و وحشت نظامیان دشمن و اسب های نظامی رومیان استفاده می شد. (جلالی، ۱۳۸۲: ۱۷)

۳.۳. فنون نظامی: در عصر ساسانیان شورایی برای تصمیم گیری در مورد امور نظامی متشکل از بزرگان و فرماندهان کشوری وجود داشت. (گیرشمن، ۱۳۷۲: ۳۵۳) ساسانیان در قلعه گیری و روش محاصره کردن تبحر داشتند و برای دفاع از اردوگاه نظامی و شهرها برخی مواقع به حفر خندق اقدام می کردند. در این دوران استفاده از قلعه کوب و منجنیق رواج داشت. (اینوستراتنسف، ۱۳۴۸: ۵۷) قبل از هر جنگ پادشاه یا فرمانده از سپاهیان سان می دید و هر سرباز به درون سبد تیری می انداخت تا تعداد ارتشیان مشخص شود و موقع بازگشت یک تیر از سبد برمی داشتند تا بدین صورت تعداد تلفات مشخص گردد. (نفیسی، ۱۳۸۷: ۴۰)

۴.۳. سواران سالار: سواران (سواره نظام) ساسانی در تمام جنگ ها به خصوص با رومیان، حضور داشتند و در تمامی ویژگی ها برابر و حتی قدرتمندتر از رومی ها بودند. این گروه در برابر رومی ها مانند دیواری مستحکم بودند تا آن ها نتوانند ایران را تصرف کنند و به مرزهای هند و چین برسند. (میرزاوند، ۱۳۹۳: ۵۲) اکنون کسی نمی تواند ترس و رعبی را که اینان ایجاد می کردند درک نماید. لیبیانوس (مورخ رومی) آورده است: «لژیونرهای رومی ترجیح می دهند تا هر سرنوشت و قضا و قدری را تحمل کنند اما با سواران ایرانی رو در رو نشوند!». (فرخ، ۱۳۸۹: ۶)

۵.۳. ادوات نظامی: اردشیر اول ساسانی تعدادی اسلحه جدید از قبیل چند نوع زره و ابزار محاصره و قلعه گیری را به دستگاه نظامی افزود. قدرت مهم ارتش ساسانیان سواره نظام سنگین اسلحه موسوم به اسواران یا کاتافراکت ها بودند. (ذکاء، ۱۳۵۰: ۱۷۱) در ابتدای عصر ساسانیان، سلاح تهاجمی اصلی اسواران نیزه بود. سواره نظامی که به نیزه مجهز بودند آن قدر بر زین اسب خود محکم و استوار می نشستند که انگار به زین قفل شده بودند. آن ها در صف های اول ارتش مانند دیواری مستحکم می ایستادند و در به صورت متحد و متمرکز حمله می کردند و از طرف کمان دارانی که به طور مرتب به سمت دشمن تیراندازی می کردند پشتیبانی می شدند. (اینوستراتنسف، ۱۳۴۸: ۶۵؛ Farrok, 2005: 217)

به اعتقاد نیکول، تعداد جمعیتی کمان داران سبک اسلحه سوارکار (مانند دوران پارتیان) ده برابر سواره نظام بود. همچنین او اعتقاد دارد سواره نظام سنگین اسلحه کمتر می توانستند در حمله مستقیم پیاده نظام را شکست دهند؛ پس سواره نظام سنگین اسلحه ساسانیان می بایست در گروه های فشرده و نزدیک به هم حرکت می کردند و مقابل آنان از سوی ارتش به خوبی محافظت می شد و در کناره ها پیاده نظام با سواره نظام دشمن درگیر جنگ می شدند. جالب اینکه سواره نظام ارتش تا پایان شاهنشاهی ساسانی از رکاب استفاده نمی کردند. (Nicolle, 1996: 20)

شمشیر ساسانیان مثل پارتیان دو لبه و بلند بود. در این دوران شمشیرهای با غلاف و با زایده P شکل مورد توجه بوده اند. قسمت بیرونی این شمشیرها با الگوها و نقش های پر مزین شده بود، در اصل همان نقوشی که در سایر هنرهای تزئینی ساسانیان هم دیده می شد. (Harper, 1985: 247-259) دلاوران ساسانی برای محافظت در برابر دشمنان، از نقش پر بر روی دسته و نیام (غلاف) شمشیرها و زره خود استفاده می کردند.

در دوران هخامنشیان استفاده از نیزه ها از سوی واحدهای سنگین اسلحه مرسوم بوده است. واژه کهن ارشتی (نیزه) که از جانب

هخامنشیان استفاده می‌شد در دوران ساسانیان به ارث تبدیل شد. (Pur Davood, 1969:39) یک قُمُقه قالبی سفالین از مقبره‌ای در ساحل آمودریا پیدا شد که نقش یک سوارکار نیزه‌دار بر خود دارد. (Sekunda, 1992:53) نیزه‌های ساسانی را با دودست گرفته و در سطح کمر نگه می‌داشتند. (فرخ، ۱۳۸۹: ۱۳)

در زمان اردشیر بابکان زره‌های حلقوی (حلقه‌های به هم متصل شده) تولید می‌شدند. فرخ می‌نویسد: با وجودی که تولید زره‌های حلقوی مشکل‌تر از زره‌های معمولی بود، اما محاسنی نسبت به زره‌های دیگر داشت. از جمله انعطاف‌پذیرتر، ماندگارتر و مقاوم‌تر بودند و همچنین اجازه دفع حرارت بدن را می‌داد که این مسئله در هوای گرم اهمیت بسیاری داشت. او همچنین بیان می‌کند که این نوع زره وقتی در کنار زره‌های دیگر به کار می‌رفت مؤثرتر می‌شد. (همان: ۱۱)

در عصر ساسانیان تبرزین دسته‌بلندی با یک تیغ بزرگ و پهن داشت و سوارکاران ساسانی می‌بایست یا تبرزین یا گرز را انتخاب می‌کردند؛ زیرا که حمل هر دو باهم مشکل و غیرضروری بود. کمان نیز در دوران ساسانیان اهمیت زیادی داشت. کمان ساسانیان متشکل بود از: کمان‌های کوتاه و خمیده، یک دسته به عقب‌رفته، زانویی محکم با قوسی که در بالا بزرگ‌تر از قسمت پایین آن است. (نیکول، ۱۳۹۵: ۱۸) پنجگان نیز وسیله‌ای بود که جنگجویان هم‌زمان پنج تیر را می‌توانستند بادقت فراوان به‌سوی سربازان دشمن پرتاب کنند. (فرخ، ۱۳۸۹: ۵)

۴. ادوات و ساختار نظامی ایران بعد اسلام

با شکست ساسانیان و پیروزی اعراب در ابتدای قرن اول هجری، ارتش ساسانی از هم پاشید و سازمان نظامی، مراکز و پادگان‌ها، آموزش و تمام دستگاه‌های مربوط به ارتش و سپاه، ضربه شدیدی خورد، ولی هیچ موقع به‌طورکلی از بین نرفت؛ بلکه آرام‌آرام و با استفاده از شرایط مناسب قسمتی از مهارت و علوم نظامی ایرانیان مجدد ایجاد و به دوران پس از اسلام ایران منتقل شد. (ممتحن، ۱۳۹۳: ۳۶۲)

ایرانیان آرام‌آرام برای بازسازی هویت و بازیابی روح ایرانی قیام کردند و علاوه بر حفظ و گسترش دین اسلام، برای پایان بخشیدن به تسلط اعراب تلاش کردند. رهبری جنبش‌های استقلال‌طلبانه در دست افرادی قرار داشت که دارای مهارت رزمی بالا و حتی برخی از آن‌ها جزو پهلوانان عصر خود بودند. قبل از شکل‌گیری حکومت‌های مستقل ایرانی، افرادی بودند که نیروهایشان کم‌وبیش چنان ویژگی‌هایی داشتند. (حاج عظیمی و ایزدپناه، بی تا: ۵-۱) یکی از روش‌های تقویت قدرت نظامی و دفاعی در قرون ابتدایی اسلامی، تقویت ورزش‌ها و فنون رزمی در شیوه عیاری بود. (کاظمینى بروجردی، ۱۳۶۳: ۲۱۹ و ۲۲۱)

اعراب مسلمان، با ایرانیان برخورد خوبی نداشتند. در زمان مأمون در یک روز آدینه‌ای، طاهر که از طرف مأمون حاکم خراسان شده بود، نام خلیفه را از خطبه انداخت. با اینکه طاهر پس از آن عمر چندانی نکرد و به مرگ مشکوکی از دنیا رفت؛ ولی پسرانش ادامه‌دهنده راه او شدند و پس از آن بود که شاهد بروز اولین سلسله ایرانی پس از ظهور اسلام در ایران شدیم. از آن زمان بود که به قول ارنسکی ما شاهد حضور برخی از دودمان‌های محلی در ایران بودیم. (گلجان، ۱۳۸۳: ۵۶)

در دوران خلافت عباسیان، برخلاف دوران بنی‌امیه - که سپاه مرکب از عشیره‌ای و قبیله‌ای داشت - تغییرات بسیاری در سپاه به وجود آمد و ارتشی متشکل از ملیت‌های گوناگون پدید آمد. ایرانی‌ها هسته اصلی این ارتش بودند و فرماندهان ایرانی وظیفه جمع‌آوری، مسلح کردن، تجهیز و آموزش لشکریان بودند. در سپاهیان عباسی، هرکدام از اقوام ایرانی مثل کردها، گیل‌ها و دیلمیان در نوعی از فنون نظامی مثل جنگ‌های دفاعی، زوبین‌افکنی، سپرداری، نیزه‌داری و امثالهم تبحر داشتند و باعث تداوم آموزش‌های فنون

و روش های نظامی می شدند. همچنین عباسیان از اصول و فنون نظامی گری رومی و بیزانسی نیز استفاده کردند. (بیات، ۱۳۶۳: ۲۰۱-۲۰۲) ایرانیان سپاه عباسیان از تجربه و شیوه جنگاوری اعراب نیز که بارزترین آن ها نبرد و تجمع سریع بود، به آموزش های نظامی خود اضافه کردند. (قوزانلو، ۱۳۱۵: ۳۶۸/۱)

۵. ادوات و ساختار نظامی طاهریان

برای شناخت بهتر نظام لشکررداری در دوران طاهریان، باید ابتدا از محدوده جغرافیای آنان آگاه باشیم. حکومت وسیع طاهریان شامل ایالت های جبال، فارس، طبرستان، خراسان، ماوراءالنهر، خوارزم و سیستان می شد. (زرین کوب: ۱۳۸۶: ۱۰۲) لذا وسعت زیاد این حکومت نیاز به ارتش را واجب می شمرد.

طاهریان به نوعی مورد حمایت عباسیان بودند و رضایت دستگاه خلافت را نیز جلب می کردند؛ به همین جهت در راه حمایت از دستگاه خلافت و همچنین گسترش دین اسلام، جنگ های فراوانی را انجام دادند. (مفتخری و زمانی، ۱۳۸۱: ۱۶۷)

طاهر به امر سپاهیان خلیلی توجه داشت و در نامه ای که برای فرزندش عبدالله هنگام رفتن به مصر برایش نوشت، گفت: «و سپاهیان را مورد تفقد قرار بده و به دفاتر آنان بنگر و پایه هر یک را رسیدگی کن». (ابن طیفور، ۱۴۲۳: ۴۸۰) این مطلب نشان از اهمیت داشتن سپاه در نزد خاندان طاهر است.

۵.۱. دستگاه اداری ارتش: دستگاه اداری ارتش در دوران طاهریان به شکلی سازمان یافته و متناسب با نیازهای حکومت طاهریان بود که از آن برای مدیریت و نظم دادن به مناطق مختلف و حفظ امنیت استفاده می شد. این دستگاه اداری شامل بخش های متعددی بود که مهم ترین آن عبارت بودند از:

الف) ساختار ارتش: در این دوره، ارتش ایران دارای یک ساختار سازمانی سنتی بوده است که از سربازان متمرکز در مراکز نظامی مختلف تشکیل شده بود. (اکبری، ۱۳۸۷: ۲۸۳) طاهریان دارای یک سپاه دائمی و یک سپاه آماده به خدمت بودند. بیشتر سپاهیان در آن زمان، از بین مردم عادی بودند که در مواقع لزوم و جنگ ها جمع می شدند و پس از آن به کسب و کار خویش باز می گشتند. (بلاذری، ۱۳۶۷: ۶۰۱)

ب) ایجاد امنیت: ارتش ایران نقش مهمی در حفظ امنیت داخلی و خارجی کشور ایفا می کرد و در شورش های داخلی و نیز در اعمال نظامی در خارج از کشور مشارکت داشت.

پ) دیوان ارتش: این بخش مسئول مسائل اداری، مالی و نظامی ارتش بود. آن ها مسئول مدیریت دستمزد و پرداخت ها، مواد غذایی و تأمین نیازهای روزمره سربازان بودند. (اکبری، ۱۳۸۷: ۲۸۶-۲۸۵) طاهر در نامه ای که جهت نصیحت به پسرش عبدالله نوشت، در مورد نظام لشکررداری او نیز اندرزهایی نوشت. طاهر می گوید: «دیوان و لشکرنویسی و ضروریات آن ها را خوب اداره کن». (ابن خلدون، ۱۳۶۳: ۶۰۰/۱) از این سخن استفاده می شود که در دستگاه اداری جایی به نام دیوان سپاه وجود داشت که نه تنها امور اداری سپاه در آنجا صورت می گرفت؛ بلکه حقوق و مقرری لشکر نیز در آنجا پرداخت می شده است و برای آنان دفاتر متعدد و مخصوصی برای ثبت مقرری ها وجود داشت. (اکبری، ۱۳۸۷: ۲۸۳)

ارتش ساسانیان بر ارتش عصر طاهریان تأثیرات مهمی داشت، از جمله انتقال تجربیات نظامی، بهبود ساختار سازمانی، و استفاده از تاکتیک های جنگی مدرن. این تأثیرات باعث ارتقای عملکرد نظامی و قدرت نظامی ارتش طاهریان شد و به توسعه و پیشرفت

نیروی نظامی شان کمک کردند.

۵. ۲. تشکیلات و ساختار نظامی: طاهریان دارای یک سپاه دائمی و یک سپاه آماده به خدمت بودند که در مواقع ضروری تشکیل می شدند. در رأس سپاه، سپهسالار یا صاحب الجیش قرار داشت که پس از منصب وزارت، بزرگترین مسئولیت برعهده وی بوده است. (مفتخری و زمانی، ۱۳۸۱: ۱۵۹) طاهریان اکثر فرماندهان اصلی را از بین اقوام و خاندان طاهری برمیگزیدند. بیشتر سپاهیان در آن زمان، از بین مردم عادی بودند که در مواقع لزوم و جنگها جمع می شدند و پس از آن به کسب و کار خویش باز می گشتند. در آن جنگها، افراد زیادی به قصد جنگ با کفار، به دست آوردن غنیمت و کسب نام و مانند آن همواره حضور می یافتند. خوارج نیز در جنگ با کفار، (غزا) شرکت داشتند. (یعقوبی، ۱۹۶۰: ۴۸۸/۲؛ بلاذری، ۱۳۶۷: ۶۰۱)

یعقوبی نام سپاهیان و مزدوران را در دیوان جداگانه ای آورده و به نام دیوان سپاهیان و مزدوران از آن نام برده است. (یعقوبی، ۱۹۶۰م: ۴۸۸/۲) بعد از سپهسالار، سرهنگ بالاترین مقام را داشته است. البته در هر سپاه چندین سرهنگ وجود داشته که هرکدام بر ۳۰۰ تا ۵۰۰ نفر فرماندهی می کردند. هرکدام از سرهنگها، یک پرچم مخصوص به خود داشته تا نیروهای تحت امرش بتوانند او را از بقیه سرهنگان تشخیص دهند. (طبری، ۱۳۸۷ق: ۴۴۶/۸) سواره نظام جایگاه بالایی در سپاه داشته و بعد از آن، پیادگان بودند که اکثریت سپاه را تشکیل می دادند. (تاریخ سیستان، ۱۳۶۶: ۲۰۵)

طاهریان از جاسوسان در سپاه به فراوانی استفاده می کردند. جاسوسان در لشکر مراقب رفتار سپاهیان و به خصوص امیر سپاه بودند. (اصفهانی، بی تا: ۴۶۷-۴۶۶) در هنگام جاسوسی نه تنها اخبار سپاه دشمن را به اطلاع امرا می رساندند، بلکه دست به شایعه پراکنی نیز می زدند. مثلاً ابن خلدون در هنگام ذکر اخبار جنگ طاهر برای فتح بغداد در بیرون شهر آورده است: «طاهر جاسوسانی به میان سپاه بغداد فرستاد. این جاسوسان چنان شایع کردند که در بغداد، امین به اصحاب خود عطای فراوانی می بخشید. بدین گونه در سپاه اختلاف افتاد و دست به کشتار یکدیگر گشودند و بی هیچ نبردی بازگشتند». (ابن خلدون، ۱۳۶۳: ۳۶۸/۲)

۵. ۳. ترکیب نیروهای نظامی: حکومت وسیع طاهریان شامل ایالت های جبال، فارس، طبرستان، خراسان، ماوراءالنهر، خوارزم و سیستان می شد و زمانی که طاهر حکومت مستقل طاهریان را بنا کرد، باید آن چنان از لحاظ نظامی خود را مقتدر می ساخت که بتواند نه تنها جلوی شورش های محلی و داخلی را بگیرد، بلکه به عنوان رقیب خلیفه، توانایی داشته باشد که در مقابلش بایستد و این همه مستلزم وجود سپاهی مقتدر بود.

باتوجه به نزدیکی سند و هند و نیز ترکان که همگی از کفار محسوب می شدند، جنگهایی با آنها صورت می گرفت که نام غزا داشت؛ به عنوان مثال عبدالله بن طاهر پسر خود طاهر را به غزای سرزمین غوزیه فرستاد و فتوحاتی توسط او انجام شد. (بلاذری، ۱۳۶۷: ۴۱۶) در آن جنگها، افراد زیادی با نیت های مختلف مانند جنگ با کفار، به دست آوردن غنیمت، کسب نام و... همواره می جنگیدند. یعقوبی آنان را مزدور می نامد. آنانی که چه به جنگ با کفار و چه نبرد زیر پرچم طاهریان، به جهت کسب غنیمت می جنگیدند و آوردن نام آنها نشان از حضور بی شمار آنان است که در جنگها شرکت می کردند. (یعقوبی، ۱۹۶۰: ۴۸۸/۲) همچنین خوارج از جمله نیروهای مفیدی جهت شرکت در غزاهای بودند که در برخی غزوات خصوصاً سند و هند شرکت می کردند. (تاریخ سیستان، ۱۳۶۶: ۱۸۰-۱۵۶)

باتوجه به حضور بی شمار مزدوران، نمی توان به قطعیت گفت که سپاهیان طاهر از چه نژادی بودند یا به چه مکانی تعلق داشتند. ولی باین حال حضور مردم خراسان از دیرباز در سپاه شرق زیاد بوده است. (ابن فقیه، بی تا: ۱۶۴) البته نباید از حضور ترکان که به صورت مزدور شرکت می کردند، چشم پوشی نمود. ترکان همواره یکی از ارکان سپاه طاهر به شمار می رفتند. (طبری، ۱۳۸۷ق: ۱۳۸۷)

(۴۸۱/۸)

۴.۵. ادوات سپاه: طاهریان در سپاهشان، از تجهیزات و لوازم و ابزار کافی بهره می‌بردند و سلاح و لوازم و نیرو به اندازه کافی داشتند. سپاه ایشان شامل سواره‌نظام و پیاده‌نظام بود که امرا بخصوص اهل خراسان جزء سواره‌نظام بودند. سواره‌نظام سپاه طاهریان زره، شمشیر، تیروکمان به همراه داشت. در مقابل بیشتر پیاده‌نظام فاقد تجهیزات کامل بودند. در سپاه از منجنیق برای فتح شهرها و قلعه‌ها استفاده می‌کردند و هنگام محاصره پادگان یا حصاری، با منجنیق و سنگ آنجا را می‌کوبیدند. (طبری، ۱۳۸۷ق: ۴۴۶/۸؛ معطوفی، ۱۳۷۸: ۲۷۹/۱)

طبری اشاره‌ای نیز به نیزه‌های کلفت و تبر دارد که البته مختص به گروه اندکی بوده است که در زمان محاصره بغداد در اطراف قصرهای برخی از بزرگان عباسیان به کمین نشسته بودند. (طبری، ۱۳۸۷ق: ۴۴۲/۸)

۵.۵. فنون نظامی: در عصر طاهریان، فنون نظامی یکی از عناصر اساسی و حیاتی برای حکومت و پیشبرد اهداف سیاسی بود. فنون نظامی در این دوره شامل مجموعه‌ای از استراتژی‌ها و تاکتیک‌های نظامی بود که برای مقابله با دشمنان و حفظ قدرت و توسعه امپراتوری به کار می‌رفت. در این دوره، فنون نظامی نیز توسعه و ارتقا یافت. برخی از ویژگی‌های فنون نظامی عصر طاهریان عبارت بودند از:

الف) نیروهای نظامی: نیروهای پیاده‌نظام از جمله سربازان نظامی - که از مهم‌ترین بخش‌های ارتش بودند - محسوب می‌شدند. این نیروها با استفاده از شمشیرها، تبرها و تیراندازها مسئولیت دفاع از سرزمین را بر عهده داشتند. همچنین نیروهای سواره، با استفاده از اسب‌های خود به نبردها می‌پیوستند و نقش مهمی در نبردها و حفظ حدود دولت داشتند. (اکبری، ۱۳۸۷: ۲۸۶)

ب) استفاده از سلاح‌های متعدد: در این دوره، فتآوری نظامی پیشرفت کرده بود و از سلاح‌هایی مانند کمان و تیر، شمشیر، زره، سپر، تبر و تیراندازی استفاده می‌شد. (همان: ۲۸۷)

پ) تاکتیک‌های نظامی متنوع: در عصر طاهریان، تاکتیک‌های نظامی متنوعی برای مواجهه با دشمنان استفاده می‌شد. از جمله این راهبردها می‌توان به جنگ‌های سنتی، جنگ‌های حمله و دفاع و استفاده از خندق‌ها، منجنیق، حصارها و برج‌ها به‌عنوان اماکن دفاعی اشاره کرد. همچنین طاهریان از شیبخون در جنگ‌ها زیاد استفاده می‌کردند. پس از فتح سرزمینی، دور آن را مانند ایرانیان باستان خندق می‌کنند تا از هجوم دشمن جلوگیری کنند و از جنگاوران، برای نگهداری استفاده می‌کردند تا غافلگیر نشوند. (طبری، ۱۳۸۷ق: ۴۴۶/۸) همچنین طاهریان در هنگام محاصره یک مکان یا شهر، علاوه بر استفاده از منجنیق و هجوم آتشین به آنجا (گردیزی، ۱۳۶۳: ۲۹۸) از ورود غلات و غذا و حتی آب به آنجا جلوگیری می‌کردند و در هنگامی که کار جنگ بسیار سخت می‌شد، خود حاکمان نیز به جنگ وارد می‌شدند. (طبری، ۱۳۸۷ق: ۴۵۶/۸-۴۵۷)

ت) آموزش نظامی: دولت طاهریان برای تقویت نیروهای خود و افزایش کیفیت فنون نظامی، به طور مداوم در زمینه آموزش نظامی فعالیت می‌کرد. این آموزش‌ها شامل آموزش در استفاده از سلاح‌ها، تاکتیک‌های نبرد و تمرینات فیزیکی بود. از طرفی چون طاهریان همیشه با شورشیان در جنگ و مبارزه بودند، برای آمادگی و آموزش لازم سربازان و نیز مزدوران نیاز به مکان اسکان دائمی داشتند. (اکبری، ۱۳۸۷: ۲۸۴) به همین علت پادگان‌هایی ایجاد کردند. مثلاً عبدالله بن طاهر پادگانی را برای سپاهیان در نزدیکی نیشابور ساخت و نام آن را شادیاخ گذاشت که البته خود شهر نیشابور بعدها به آنجا منتقل شد. همچنین در هنگام نبرد، به‌خصوص در موقع محاصره، پادگانی در نزدیکی محل جنگ می‌ساختند و دور آن را خندق می‌کنند و سپاهیان را شب‌ها جهت جلوگیری از

غافلگیری در آنجا قرار می دادند. (طبری، ۱۳۸۷ق: ۴۴۶/۸)

طاهریان با اتکا به قدرت نظامی خود توانستند به استقلال دست یافته و قلمرو خود را گسترش دهند. فنون جنگی و تجهیزات پیشرفته طاهریان، آن‌ها را به یکی از قدرتمندترین سلسله‌های عصر خود تبدیل کرده بود.

۵. ۶. **برخورد با فرماندهان سپاه:** طرز رفتار طاهریان با امیران سپاه، بسیار جالب توجه بود. حاکمان طاهری بر فرماندهان خود بسیار سخت می گرفتند و حتی جاسوسانی را برای مراقبت از اعمال آن‌ها، همراهشان گسیل می داشتند و از آنان گزارش می خواستند. همچنین طاهریان مستقیم بر کارهای سپاهیان نظارت می کردند که این امر در سفارش طاهر به فرزندش عبدالله مشهود است. (ابن طیفور، ۱۴۲۳: ۴۸۲-۴۸۰) به طور مثال وقتی خبر آمد که محمد بن قاسم دستگیر شده است، عبدالله بن طاهر خود به ملاقات وی رفت تا مطمئن شود شخص دیگری را به جایش دستگیر نکرده باشند. (اصفهانی، بی تا: ۴۶۷)

فرماندهان اصلی و سرداران سپاه بیشتر از بین خاندان طاهری و یا از نزدیکان حاکم بودند. یکی از دلایل ضعیف شدن آنان درگیری‌هایی بود که بین خاندان طاهری پیش آمد. سرانجام یعقوب لیث به همین خاطر و بدون جنگ توانست نیشابور را فتح کند و محمد بن طاهر را به بغداد فرستاد. (یعقوبی، ۱۹۶۰: ۵۰۷/۲) البته طاهریان از فرماندهان شورش رقبای نیز استفاده می کردند. مثلاً محمد بن طاهر، عبدالله سگزی سردار شورش یعقوب را، به امارت طبرس و قهستان گماشت. (طبری، ۱۳۸۷ق: ۵۰۳/۹)

۶. ادوات و ساختار نظامی صفاریان

صفاریان از سازمان‌های انتظامی رایج جهان اسلام در سده سوم هجری نیز تأثیر پذیرفته بودند. اساس و پایه اصلی سپاهیان صفاری را عیاران تشکیل می دادند. به گفته یعقوبی در سپاه یعقوب انضباط حاکم بود و او چنان سپاه را آماده ساخته بود که در صورت لزوم؛ سریع برای جنگ آماده می شدند و نمی بایست آنان دست به غارت بزنند مگر آنکه صریح بدان کار دستوری یابند.

۶. ۱. **دستگاه اداری ارتش:** در سپاه صفاریان هر کدام از سربازان را «سپاهی» یا «لشکری» می نامیدند و هر سرهنگی بر هزار سوار سپاهی فرمان می راند که در آن زمان هزار تن سواره را اسوار می نامیدند و پیش نام «ابوالسوار» از اینجا پیدا شده استهریک از «امیران» یا «سالاران بر چندین سرهنگ فرمانده بودو «سپهسالار» یا «میرمیران» فرمانده چندین سالار بود.

گذشته از فرماندهان سپاه، یکی از پیشکاران شهریاران صفاری بنام «عارض» یا «عارض لشکر» کارهای سپاه را -از نوشتن نام و نشان سپاهیان و نگاهداری پیشینه و شماره آنان در دفتری ویژه، و پرداخت بیستگانی موجب افسران و سربازان بهنگام خود و رسیدگی به جنگ‌افزارهایشان - راه می برد و عارضی یکی از پایگاه‌های پر ارج دیوانی آن زمان بشمار می رفت. (ذکاء، ۱۳۵۰: ۱۶۷)

از نوشته‌های تاریخ سیستان چنین به دست می آید که در دوره صفاری سپاهیان را در جایی بیرون از شهر نگاه می داشتند که لشکرگاه نامیده می شد چنانچه در سیستان در بیرون از شهر جایی بنام «خلف آباد» لشکرگاه یا به عبارت امروزه سربازخانه سپاهیان صفاری بوده است. (همان: ۱۷۰)

ارتش ساسانیان بر ارتش صفاریان اثرات بسیار مهمی از جمله انتقال تجربیات نظامی، بهبود ساختار سازمانی، و استفاده از تاکتیک‌های جنگی پیشرفته گذاشت. این تأثیرات باعث رشد نظامی و قدرت نظامی ارتش صفاریان شد و به توسعه و پیشرفت نیروی نظامی آنان کمک کردند.

۶. ۲. **تشکیلات و ساختار نظامی:** یعقوب، برای انتخاب افراد در سپاه، خود مستقیم دخالت می کرد. اگر فرد متقاضی وضع ظاهری مناسبی داشت، تبحر او را در تیراندازی و سوارکاری می آزمود و بعد از بررسی اصل و نسب و گذشته‌اش، اگر او را مناسب می

دید، استخدامش می‌کرد. وقتی یعقوب او را در سپاه خود مقبول می‌کرد، او می‌بایست تمام ثروت خود را نقد کند و نقدینه‌اش را در دیوان ثبت می‌کردند. (ترکمنی آذر و پرگاری، ۱۳۸۴: ۵۲) اگر بعدها مشخص می‌شد که وی شایسته‌ی سپاهیگری نبود، از سپاهیگری کنار گذاشته می‌شد و نقدینه‌اش را به او پس می‌دادند، اما اگر در سپاه صفاریان باقی می‌ماند، لباس، سلاح و اسب از ذخیره سپاه به او می‌دادند. (مسعودی، ۱۳۷۴: ۶۰۲/۲-۶۰۱)

سپاهیان از یعقوب اطاعت کامل داشتند. او در لشکرکشی‌ها از تختی چوبی برای تسلط و نظارت بر کار لشکریان استفاده کرده و اوامر لازم را صادر می‌کرد. نام همه سپاهیان در دیوان عرض ثبت می‌شد که طبق مرتبه و سمتشان حقوق دریافت می‌کردند. بعد از ورود خوارج به جمع سپاهیان یعقوب، بزرگان آن‌ها را هدیه داد و به عارض فرمان داد تا اسامی‌شان را در دیوان عرض ثبت کند. لشکر مخصوص و سپاهیان یعقوب در مقابل فرستاده خلیفه و مراسم رسمی، رژه رفته و قدرت نظامی یعقوب را، به آنان نشان می‌دادند. (ترکمنی آذر و پرگاری، ۱۳۸۴: ۵۴) همچنین زمانی که نماینده حاکم یا امیری به دربار او می‌آمد، یعقوب این جلال و شکوه را با رژه به رخ آن‌ها می‌کشید. (زرین‌کوب، ۱۳۷۹: ۵۴۰)

۳.۶. ترکیب نیروهای نظامی: سپاه یعقوب از گروه‌های متفاوتی متشکل بود که اکثر آنان از خوارج، عیاران و مطوعه بودند. همچنین از امیران و بزرگان خراسان، صعلوک و غیره نیز در این جمع حضور داشتند. عیاران از نظر آمادگی جسمانی بسیار ورزیده و چالاک بودند و از طریق تشکیلات پنهانی شبه‌نظامی گسترش یافتند و به تدریج وارد نظامیگری شدند. خنجربازی، فلاخن اندازی، کمند اندازی، بالارفتن از برج و باروها و نقب‌زنی از مهارت‌های ویژه عیاران بود که با آموزش، کسب تجربه و تمرین بدست می‌آمد. (یغمایی، ۱۳۷۰: ۸۰) از روزگار ساسانیان پیادگان سیستان مشهور بودند و یک سده بعد از دولت صفاری، غزنویان پیادگان سگزی را در سپاه خود استخدام نمودند. (ترکمنی آذر و پرگاری، ۱۳۸۴: ۵۲)

یعقوب گروه‌هایی از خوارج سیستان و بادغیس را به سپاه خود وارد کرد و باعث شد که بسیاری از سرداران سابق طاهریان و رؤسای عیاران خراسان زیر بیرق وی جمع شوند. حکام صفاری مانند دیگر فرمانروایان هم‌زمان خود گروهی از غلامان درگاهی - که بیشتر آن‌ها ترک بودند - داشتند که به‌عنوان نیروی زبده در مراسم رسمی از آن‌ها استفاده می‌شد. (فرای، ۱۳۶۳: ۱۱۰) در ارتش صفاریان غیر از خراسانیان، سگزیان و ترکان، نیروهایی از اعراب، هندیان و مردم سرحدات هند و افغانستان هم حضور داشتند. همچنین عمرو لیث در بین سپاهیان خود از سربازان شایسته از هر نژادی که بودند استخدام می‌کرد. (ترکمنی آذر و پرگاری، ۱۳۸۴: ۵۲)

۴.۶. رسته‌های نظامی: سپاهیان صفاری از بخش‌های متعددی تشکیل شده بود. از جمله: ۱- موالیان که سربازان عادی بودند. ۲- سرهنگان که از زر خریدهای آزاد شده بودند و هر کدام از آنان هزار سوار در زیر فرمان داشت. ۳- آزادگان که از دهگانان (فتودال‌ها) و نجیب‌زادگان و دارایان پدید می‌آمد. همچنین لشکریان صفاری از دو دسته بزرگ پیاده‌نظام و سواره‌نظام تشکیل می‌شد که تعداد سواره‌نظام از دوگروه سرهنگان و آزادگان بیشتر بودند که می‌توانستند برای خود اسب و تجهیزات فراهم کنند. (ذکاء، ۱۳۵۰: ۱۶۵)

گروه سواران صفاری نیز خود به کمان‌داران و نیزه‌داران تقسیم می‌شدند که نام آنان از تجهیزات جنگی که بیشتر استفاده می‌کردند گرفته شده بود. از دوران باستان شترهای دوکوهانه و جماز فراوان در کرمان، سیستان و خراسان پرورش می‌دادند که با بیابان، راه‌های این سرزمین‌ها و آب‌وهوا سازگار بودند، از این‌رو در سپاه صفاریان برای کشیدن بار و بند و سواری گروهی جماز و جمازه سوار دیده می‌شده که خود رسته‌ای بوده است. (مسعودی، ۱۳۷۴: ۶۰۱/۲-۶۰۲)

۵.۶. **فنون نظامی:** در سازمان کشوری یعقوب برای آگاهی از وضعیت نظامی دشمنان و نیز در داخل قلمرواش برای خبرگیری از اوضاع اقتصادی و سیاسی جامعه از جاسوسان استفاده می‌کرد. درحقیقت برای تسلط بر امور کشوری و لشکری، سازمان اطلاعاتی تشکیل داده بود.

سپاه صفاریان در نبرد سریع نیز جزو برترین‌های روزگار خود بودند و این مهارت نیز با آموزش تحقق می‌یافت. (باستانی پاریزی، ۱۳۷۰: ۱۸۹ و ۲۲۹) در این دوران سپاهیان حرفه‌ای بردگان (غلامان و ممالیک) را که مرکب از کشورهای گوناگون بود، استخدام می‌کردند و تعدادشان نیز روزبه‌روز افزایش می‌یافت.

معروفیت یعقوب در پیروزی بر دشمنان باعث شد که بسیاری از سرداران سابق طاهریان و امرای عیاران خراسان به او پیوستند. حکام صفاری مانند دیگر فرمانروایان هم‌زمان خود گروهی از غلامان درگاهی داشتند که به‌عنوان نیروی زبده در مراسم رسمی از آن‌ها استفاده می‌شد. (فرای، ۱۳۶۳: ۱۱۰)

۶.۶. **درفش صفاری:** در زمینه درفش سپاهیان صفاری اطلاعاتی تنها بر روی دو ظرف سفالین لعبی از سده چهارم هجری که در ری به‌دست آمده است. یکی پیکره مردی سوار بر اسب و پیاده نقش شده که یکی درفش سه‌گوش یک‌رنگ ساده‌ای را در روی اسب با خود می‌برد (اکرم‌ن و پوپ، ۱۳۹۱: ۵/۵۷۹) و دیگری درفش سه‌گوش بزرگی را در دست دارد که پرده آن بر نیزه بلندی آویخته و بر روی آن در درون دایره‌ای به خط کوفی نوشته‌ای که می‌توان آن را از بالا به پایین «الملک لله» خواند، دیده می‌شود. (همان: ۵/۵۷۶) چون این عبارت شعار خوارج است که در سیستان و در سپاه یعقوب فراوان بودند از این‌رو می‌توان گمان برد که سپاهیان صفاری نیز درفشی همانند این درفش داشته‌اند.

۶.۷. **موسیقی رزمی:** نواختن موسیقی رزمی در سپاه صفاریان همچون زمان‌های دیگر معمول بود و از ابزارهای موسیقی رزمی آن دوره می‌توان از طبل، بوق، دهل، دبدب، گاودم، سنج، آئیند فیلان، کرنای و سپید مهره نام برد. در سپاه صفاری، موسیقی رزمی هم آموزش داده می‌شد. (ذکاء، ۱۳۵۰: ۱۹۸)

۷. ادوات و ساختار نظامی آل زیار

زیاریان حکومتی نظامی بود و نظامیان در ساختار قدرت این دوره جایگاه ویژه‌ای داشتند. ارتش آل زیار، یکی از قدرتمندترین ارتش‌های ایران در دوران اسلامی بود. این ارتش در زمان اوج خود، حدود ۱۰۰ هزار سرباز داشت و از سربازان پیاده‌نظام، سواره‌نظام، و سواره‌نظام سنگین تشکیل می‌شد. مرداوچ و وشمگیر به تجهیز سپاهیان اهمیت بسیاری می‌دادند و ارتشیان در رفاه بودند.

۱.۷. **تشکیلات و ساختار نظامی:** ارتش آل زیار، به دلیل برخورداری از سربازان ماهر و تجهیزات پیشرفته، در بسیاری از جنگ‌ها پیروز شد. این ارتش، نقش مهمی در گسترش قلمرو آل زیار ایفا کرد. (کجباف، ۱۳۸۶: ۹۶)

سپاهیان زیاری نیز مانند سپاهیان علویان از دودسته اصلی سپاه پیاده‌نظام و سواره‌نظام تشکیل شده بود. پیاده‌نظام، بخش اصلی ارتش آل زیار را تشکیل می‌داد. این سربازان از تیراندازان، شمشیربازان، و سپرداران تشکیل می‌شدند. سربازان پیاده‌نظام، بخش اصلی ارتش آل زیار را تشکیل می‌دادند. این سربازان از تیراندازان، شمشیربازان و سپرداران تشکیل می‌شدند. تیراندازان با تیروکمان و شمشیربازان با شمشیر و نیزه می‌جنگیدند. (ذکاء، ۱۳۵۰: ۱۷۷) سپرداران نیز با سپرهای بزرگ از خود و سایر سربازان محافظت می‌کردند. تیراندازان، بخش مهمی از پیاده‌نظام آل زیار را تشکیل می‌دادند. این سربازان با تیروکمان می‌جنگیدند و نقش مهمی در ایجاد مزاحمت برای دشمن و از بین بردن نیروهای دشمن از راه دور داشتند. شمشیربازان، بخش دیگر پیاده‌نظام آل زیار را تشکیل

می‌دادند. این سربازان با شمشیر و نیزه می‌جنگیدند و در نبرد نزدیک نقش مهمی ایفا می‌کردند. سپرداران، بخش دیگری از پیاده‌نظام آل زیار را تشکیل می‌دادند. این سربازان با سپرهای بزرگ از خود و سایر سربازان محافظت می‌کردند. (همان: ۱۷۹)

سواره‌نظام، بخش دیگری از ارتش آل زیار بود. این سربازان از سوارکاران ماهر تشکیل می‌شدند که با شمشیر، نیزه، و تیروکمان می‌جنگیدند. سواره‌نظام سنگین، بخش اصلی سواره‌نظام آل زیار را تشکیل می‌داد. این سربازان از زره‌های سنگین و اسب‌های قوی استفاده می‌کردند و در نبرد نقش مهمی ایفا می‌کردند. (همان: ۱۷۷-۱۷۶)

ارتش ساسانیان بر ارتش عصر آل زیار نیز تأثیرات مهمی از جمله انتقال تجربیات نظامی، بهبود ساختار سازمانی و استفاده از تاکتیک‌های جنگی پیشرفته داشت. این تأثیرات باعث پیشرفت نظامی و قدرت نظامی ارتش عصر آل زیار شدند و به توسعه و پیشرفت نیروی نظامی کمک کردند.

۲.۷. ترکیب نیروهای نظامی: در قرن‌های سوم و چهارم، به دلیل شرایط خوب جغرافیایی منطقه، تراکم جمعیت زیاد شده و جوانان جویای اشتغال به کارهای مختلفی شدند و به‌خصوص جوانان روستایی بسیاری به نظامی‌گری روی آوردند و برخی از آن‌ها توانستند از مدارج نظامی بالایی برخوردار شوند. مرداوایج با استفاده از نیروی نظامی قدرتمند، بر بخش مرکزی و غربی ایران تسلط یافت و با حضور در این نواحی توانست لشکریانی از دیگر نواحی هم جذب نماید و بافت سپاه زیاری را دگرگون سازد. اولویت جذب نیروی نظامی زیاریان نیز با اهالی سرزمین اجدادی‌شان، دیلم و گیلان، بود و قسمت عمده لشکریان و وفادارترین نظامیان آل زیار از این نواحی بودند. باین‌حال، زمانی که امیران زیاری به سوی نواحی مرکزی و جنوبی ایران پیشروی کردند، لشکریان دیگری به آنان پیوستند و بافت ارتش تغییر یافت. (معطوفی، ۱۳۷۸: ۳۵۰/۱)

مرداوایج با اعطای مستمری هنگفت به سپاهیان، نفرات زیادی از گیل و دیلم و غلامان ترک را جذب کرد. این سپاه بزرگ هزینه و خرج زیادی ایجاد می‌کرد که یکی از دلایل مهم لشکرکشی‌های پیاپی مرداوایج بوده است. اهمیت این تنوع قومی در سپاه به این علت بود که اگر تمامی لشکریان از یک قومیت بودند، با نافرمانی آن قوم، فرمانروا توانایی کنترل وضعیت را نمی‌داشت. (مفرد، ۱۳۸۶: ۱۵۸ - ۱۵۷)

مرسوم بود که سپاهیان سامانی را از اقوام مختلف برمی‌گزیدند تا فرماندهان بهتر توانایی اداره آن‌ها را داشته باشند. ترک‌ها، عرب‌ها، و کردها در لشکریان زیاری حضور داشتند. ترک‌ها که در آن زمان به جنگاوری شهره بودند و قسمت عمده‌ای از لشکریان حکومت‌های مختلف را تشکیل می‌دادند، در میان سپاهیان مرداوایج نیز بسیار بودند. لشکریان زیاری اغلب به امیران خود وفادار بودند؛ ولی مواردی از خیانت‌های آنان نیز وجود داشته است. مرداوایج با تمسخر و تحقیر ترک‌ها موجب دلخوری آنان شد و همین مسئله در نهایت بساط قتلش را مهیا نمود. پس از آن، ترک‌ها لشکریان زیاری را شبانه رها کرده و به خدمت خلیفه درآمدند. (معطوفی، ۱۳۷۸: ۳۴۷/۱) وشمگیر از سربازان ترک استفاده نمی‌کرد و لشکریان دیلمی و گیل به او وفادار بودند. بعدها، زمانی که قابوس پس از شکست در نبرد به سامانیان پناه برد، بخشی از لشکریان او که به کمک امیر سامانی مهیا شده بودند، از افراد ترک بودند. یکی از همین سرداران به قابوس خیانت کرده و موجب شکست او شد. عرب‌ها بخش قابل توجهی از سپاهیان باکالیجار را تشکیل می‌دادند و در زمان بازگشت قابوس به طبرستان نیز گروهی از نظامیان عرب از جبهه مخالف به حمایت او شتافتند. (همان: ۳۵۲/۱)

هنگامی که امیران زیاری قدرت خود را از دست می‌دادند، سپاهیان پراکنده شده و برخی به لشکرهای دیگری می‌پیوستند یا کشاورزی و ماهیگیری پیشه می‌کردند. پس از دوران قابوس لشکریان زیاری کاهش می‌یافت و به‌اندازه‌ای سرباز داشتند که کنترل

مرزها را در اختیار داشته باشند و به دربار امرای اطراف نیرو اعزام کنند. دلیل این امر می‌تواند پذیرش حاکمیت غزنویان باشد. آل زیار دیگر نیازی به جنگیدن نداشتند و غزنویان که باج می‌گرفتند، وظیفه دفاع از آن‌ها را بر عهده داشتند. (مفرد، ۱۳۸۶: ۱۹۲-۱۹۶)

۳.۷. ادوات ارتش: ارتش آل زیار، با برخورداری از سربازان ماهر و تجهیزات پیشرفته، نقش مهمی در گسترش قلمرو آنان ایفا کرد. این ارتش، در بسیاری از جنگ‌ها پیروز شد و باعث شد که آل زیار به یکی از قدرتمندترین سلسله‌های ایران تبدیل شود. (معطوفی، ۱۳۷۸: ۳۵۰/۱) این تجهیزات شامل شمشیرها و نیزه‌های فولادی، تیر و کمان‌های قدرتمند، زره‌های سنگین، اسب‌های قوی می‌شد.

۸. ادوات و ساختار نظامی علویان

دیلمیان به‌عنوان سربازان مزدور در حکومت‌های مستقل ایرانی نقش مهمی داشتند. استخدام و به‌دست آوردن تجربه در ارتش دولت‌های ایرانی، باعث موفقیت دیلمیان شده بود. آنان که از کوه‌نشینان دلاور سرزمین‌های ساحلی دریای مازندران بودند. بعد از قدرت‌گیری در سده چهارم هجری، به‌سرعت در بسیاری از نواحی جهان اسلام پراکنده شدند. از مهم‌ترین خاندان‌های دیلمی که موفق به تشکیل حکومت‌هایی در گوشه‌وکنار ایران شدند، می‌توان به مواردی اشاره کرد: ۱- سالاریان در آذربایجان و اران و ارمنستان ۲- خاندان ماکان کاکلی و پسر عمویس حسن فیروزان (اسعد گرگانی، ۱۳۹۵: ۳۸۵) ۳- کنکریان در طارم و نواحی اطراف ۴- زیاریان که ابتدا بر ری، قزوین، اصفهان و خوزستان مسلط شدند و سپس تنها در طبرستان، گرگان و گیلان حکومت داشتند ۵- بویه‌یان که بر فارس، کرمان، خوزستان، عراق، موصل، ری، اصفهان و همدان امارت داشتند. (کسروی، ۱۳۷۸: ۴۵)

تجربه و توانمندی‌های نظامی ارتش ساسانیان تأثیرات زیادی بر ارتش علویان در طبرستان گذاشت. این تأثیرات در دسته‌بندی‌های نظامی و فناوری‌های پیشرفته بیشتر نمود داشت.

۸.۱. ترکیب نیروهای نظامی: از دوران مرداوید بن زیار رهبران دیلمی با استخدام غلامان ترک بر نیروی سلحشوری خود افزودند. چنین بود که آل بویه نیز که تا آن زمان تنها می‌توانستند از نیروی دیلمان در پیاده‌نظام خود استفاده کنند، به استفاده از نیروی ترکان توجه کردند، زیرا که سواران تیرانداز ترک از لحاظ رزمی در کنار پیادگان دیلمی قرار می‌گرفتند. (باسورث، ۱۳۷۲: ۹۶) عده ای از ترکان حتی توانستند در دولت علوی به درجات نظامی بالایی دست یابند و حتی با دیلمیان رقابت کنند. (ابن مسکویه، ۱۳۷۶: ۱۳۵/۶ و ۲۰۸)

در چنین اوضاعی قدرت سلحشوری و شهرت دلاوری دیلمیان به حدی بود که در سده پنجم هجری ارتش دیلمیان تا فتوحات فاطمیان مصر دیده شدند. به گفته ناصر خسرو، به‌غیر از گروهی از «ملک‌زادگان دیلمیان» که در دستگاه خلیفه فاطمی مصر بودند، محله‌ای مخصوص دیالمه در قاهره وجود داشت. (ناصر خسرو، ۱۳۷۳: ۵۸ و ۶۱) او همچنین دسته‌ای سیصد نفره از پیادگان دیلمی را دیده بود که در مراسم تشریفاتی بند نیل در جلوی خلیفه فاطمی حرکت می‌کردند. آنان «جامه‌های زربفت رومی پوشیده و میان‌بسته، با آستین‌های فراخ به‌رسم مردم مصر، همه با زوبین و تیر، و پای تابه‌ها پیچیده» بودند. (همان: ۵۹)

۸.۲. فنون نظامی: راهبرد سپاه دیلمی، ادوات، شیوه‌های جنگی و لباس‌های نظامی آنان همیشه یکسان بود. آنان کشاورز بودند و چهارپایان اهلی نیز پرورش می‌دادند، ولی توجه ای به پرورش اسب نداشتند، به این دلیل در جنگ‌ها پیاده می‌جنگیدند. هر فرد دیلمی در جنگ شمشیر، سپر و سه نیزه به همراه داشت. (فرای، ۱۳۶۳: ۲۱۸)

در زمان جنگ لشکریان دیلمی در رسته‌های فشرده و در کنار هم حرکت می‌کردند و با سپرهای بلند خود دیواری نفوذناپذیر در

برابر دشمن به وجود می‌آوردند. تبحر آنان در پرتاب نیزه‌های مشتعل شهره عام و خاص بود. همچنین منابع در استواری و سلحشوری دیلمیان تأکید دارند. حمله و هجوم ناگهانی و دلاورانه آنان زبانزد بود. بارها می‌شد که با وجود آن که تعداد نیروهای دیلمی از سپاهیان دشمن خیلی کمتر بود، اما توانستند بر دشمن پیروز شوند. (فرای، ۱۳۶۳: ۲۱۸؛ کسروی، ۱۳۷۸: ۴۵)

۳.۸. ادوات نظامی: دیلمیان در استفاده از تجهیزات، تبحر زیادی داشتند. زوبین و سپر از سلاح‌های خاص دیلمیان به شمار می‌رفت. (حدودالعالم، ۱۳۶۲: ۱۴۳؛ ابن مسکویه، ۱۳۷۶: ۴/۶) زوبین یا زوبین سلاح مخصوص دیلمیان، نوعی تیر با نیزه کوتاه دو لبه ای بود که به سوی دشمن پرتاب می‌گردید. (کرمانی، ۱۳۷۳: ۳۲۶-۳۲۵) با چنین شرایطی می‌توان به حضور سپرکشان و زوبین داران در میان نگهبانان شخصی ابوطالب مجدالدوله حاکم بویه ری اشاره کرد. (گردیزی، ۱۳۶۳: ۱۷)

۹. نتیجه‌گیری

ارتش ایران نه تنها نیروی نظامی بلکه عاملی مؤثر در ایجاد ساختارهای اجتماعی، فرهنگی و سیاسی بوده است. تطورات نظامی در این دوره‌ها نشان‌دهنده تعامل پویا بین ارتش و عوامل اجتماعی و سیاسی است که به شکل گسترده‌ای تأثیر گذاشته‌اند. تاریخ ارتش ایران از زمان ساسانیان تا علویان شاخصه‌هایی از تحولات فرهنگی، اجتماعی، و نظامی را نشان می‌دهد که در مواجهه با چالش‌های مختلف، نیروهای نظامی ایران تطور یافته‌اند.

الگوی سپاهیان دولت‌های ایرانی که در قرون اولیه اسلامی شکل گرفتند همگی به نوعی اقتباس از شیوه ارتش دوره ساسانیان بودند. هرچند در برخی موارد تغییراتی در آن ایجاد گردید؛ اما ریشه و اساس ارتش در این دوران برگرفته از ساختار ارتش دوره ساسانیان بود. وضعیت ارتش ایران در دوران ساسانیان، ورود اسلام به ایران و تا پایان عصر علویان، نشان‌دهنده تغییرات مهمی در ساختار و توانمندی‌های این ارتش است. ارتش ایران در دوران ساسانیان، یکی از بزرگ‌ترین و قدرتمندترین ارتش‌های جهان بود. این ارتش متشکل از بخش‌های مختلفی از جمله سواره‌نظام، پیاده‌نظام، سواره‌نظام سنگین، سواره‌نظام سبک، پیاده‌نظام سنگین، پیاده‌نظام سبک، تیراندازان، سپاهیان مرزی و سپاهیان محلی بود. ارتش ساسانیان از تجهیزات و سلاح‌های پیشرفته‌ای برخوردار بود و از جمله این تجهیزات می‌توان به زره‌های فولادی، شمشیرهای دو لبه، نیزه‌های بلند، تیروکمان و نیزه‌های پرتابی اشاره کرد.

با ورود اسلام به ایران، ساختار ارتش ایران نیز دستخوش تغییراتی شد. در دوران بنی‌امیه، ارتش ایران بیشتر متشکل از مسلمانان عرب بود و از تجهیزات و سلاح‌های پیشرفته‌ای برخوردار نبود. در دوران بنی‌عباس، ارتش ایران به تدریج از عناصر ایرانی تبار تشکیل شد و از قدرت و توانمندی بیشتری برخوردار شد.

در دوران طاهریان، صفاریان، علویان و آل زیار، ارتش ایران همچنان متشکل از عناصر ایرانی تبار بود و از قدرت و توانمندی قابل توجهی برخوردار بود. این ارتش‌ها در جنگ‌های مختلفی علیه حکومت‌های عربی و ترک موفق به پیروزی شدند. همچنین باید اشاره نمود که نیروهای نظامی حکومت‌های نیمه‌مستقل ایرانی کاملاً تحت تأثیر ارتش ساسانیان بوده و با الگوبرداری از آنان از جمله شامل انتقال تاکتیک‌های نظامی، سازماندهی نیروها، توسعه فناوری نظامی، استفاده از ادوات جنگی و آموزش‌های آن عصر، توانستند نیروی نظامی خود را مقتدر ساخته و در جنگ‌ها پیروزی کسب نمایند که به تقویت و بهبود عملکرد ارتش این دوره‌ها کمک کرد. به‌طورکلی تحقیقات نشان می‌دهد که ارتش ایران در طول تاریخ به یک نهاد مؤثر و تطابق یافته تبدیل شده و نقش بارزی در امور نظامی و حفظ امنیت داشته است. ارتش ایران نه تنها یک نیروی نظامی بلکه عاملی مؤثر در تشکیل و شکل‌گیری ساختارهای

اجتماعی، فرهنگی و سیاسی بوده است. تطورات نظامی در این دوره‌ها نشان‌دهنده تعامل پویا بین ارتش و سایر عوامل اجتماعی و سیاسی است که به شکل گسترده‌ای بر یکدیگر تأثیر گذاشته‌اند.

منابع

- ابن خلدون، عبدالرحمن بن محمد (۱۳۶۳). *العبر «تاریخ ابن خلدون»*، ترجمه عبدالمحمد آیتی، جلد ۱ و ۲، تهران: نشر وزارت فرهنگ و آموزش عالی.
- ابن فقیه، ابوبکر احمد ابن محمد (بی تا). *ترجمه مختصر البلدان*، ترجمه محمدرضا حکیمی، تهران: بنیاد فرهنگ
- ابن مسکویه، ابوعلی (۱۳۷۶). *تجارب‌الامم*، ترجمه دکتر علی تقی منزوی، جلد ۱ و ۶، تهران: توس.
- اسعد گرگانی، فخرالدین (۱۳۹۵). *مثنوی ویس و رامین*، ترجمه محمد روشن، تهران: نشر صدای معاصر
- اکبری، امیر (۱۳۸۷). *تاریخ حکومت طاهریان از آغاز تا انجام*، تهران: سمت.
- اکرم‌ن / ایهام پوپ، فیلیس / آرتور (۱۳۹۱). *سیری در هنر ایران از دوران پیش از تاریخ تا امروز*، ترجمه نجف دریابندری، جلد ۵، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- اینوسترانستف، کنستانتین (۱۳۴۸). *مطالعاتی در باره ساسانیان*، ترجمه کاظم کاظم‌زاده، تهران: بنگاه نشر و ترجمه کتاب.
- باستانی پاریزی، محمدابراهیم (۱۳۷۰). *یعقوب لیث*، تهران: نشر نگاه.
- باسورث، ادموند کلیفورد (۱۳۷۲). *تاریخ غزنویان*، ترجمه حسن انوشه، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- بلاذری، احمد بن یحیی (۱۳۶۷). *فتوح البلدان*، ترجمه محمد توکل، تهران: نشر نقره.
- بیات، عزیزالله (۱۳۶۳). *تاریخ ایران از عرب تا دیالمه*، تهران: نشر گنجینه.
- پیرنیا / اقبال، حسن / عباس (۱۳۷۰). *تاریخ ایران*، تهران: کتاب‌فروشی خیام.
- (۱۳۶۶). *تاریخ سیستان*، تصحیح ملک الشعرا بهار، تهران: پدیده خاور.
- ترکمنی آذر / پرگاری، پروین / صالح (۱۳۸۴). *تاریخ تحولات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوره صفاریان و علویان*، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
- تنسر (۱۳۵۴). *نامه تنسر به گشنسب*، تصحیح مجتبی مینوی، تهران: خوارزمی.
- جلالی، ایرج (۱۳۸۲). «ارتش، تشکیلات و واحدهای آن در عصر ساسانیان»، *نشریه رشد تاریخ*، سال ۵، شماره ۱۳، صفحات ۱۲-۲۰.
- حاج عظیمی / ایزدپناه، نصرالله / عباس (بی تا). *تاریخ ورزش در ایران*، بی نا، بی جا.
- (۱۳۶۲). *حدودالعالم*، به کوشش منوچهر ستوده، تهران: کتابخانه طهوری.
- ذکاء، یحیی (۱۳۵۰). *ارتش شاهنشاهی ایران از کوروش تا پهلوی*، تهران: شورای ارتش جشن دو هزار و پانصدمین سال بنیان‌گذاری شاهنشاهی ایران.
- زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۷۹). «روزگاران» *تاریخ ایران از آغاز تا سقوط سلطنت پهلوی*، تهران: سخن.
- زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۸۶). *تاریخ ایران «بعد از اسلام»*، تهران: امیرکبیر.
- فرای، ریچارد، ن (۱۳۶۳). *عصر زرین فرهنگ ایران*، ترجمه مسعود رجب نیا، تهران: سروش.
- فرخ، کاوه (۱۳۸۹). *سواره‌نظام زبده ارتش ساسانی*، ترجمه بهنام محمد پناه، تهران: انتشارات سبزان.

- قوزانلو، جمیل (۱۳۱۵). تاریخ نظامی ایران، جلد ۱، تهران: شرکت مطبوعات.
- کاظمینی بروجردی، محمدعلی (۱۳۶۳). *ایرانیان مسلمان در صدر اسلام و سیر تشیع*، تهران: کتابخانه اسلامیه.
- کجباف، علی اکبر (۱۳۸۶). «بررسی مناسبات حکومت آل زیار و خلفای عباسی»، نشریه فرهنگ اصفهان، پاییز و زمستان، شماره ۳۷ و ۳۸، صفحات ۹۷-۸۷.
- کرمانی، افضل‌الدین ابوحامد (۱۳۷۳). *سلجوقیان و غزدر کرمان*، تحریر میرزا محمد ابراهیم خبیصی، تصحیح باستانی پاریزی، تهران: انتشارات کوروش.
- کریستن سن، آرتور (۱۳۷۰). *ایران در زمان ساسانیان*، ترجمه رشید یاسمی، تهران: نشر دنیای کتاب.
- کسروی، احمد (۱۳۷۸). *تاریخ مشعشعیان*، تهران: نشر فردوس.
- گردیزی ابوسعید عبدالحی (۱۳۶۳). *زین الاخبار*، به تصحیح عبدالحی حبیبی، تهران: انتشارات دنیای کتاب.
- گلجان، مهدی (۱۳۸۳). *میراث مشترک نظری اجمالی بر حوزه فرهنگ و تمدن شرق ایران و ماوراءالنهر از کوروش تا تیمور*، تهران: نشر امیرکبیر.
- گیرشمن، رومن (۱۳۷۲). *ایران از آغاز تا اسلام*، ترجمه محمد معین، تهران: نشر نگاه.
- محمدی ملایری، محمد (۱۳۷۵). *تاریخ و فرهنگ ایران در دوران انتقال از عصر ساسانی به عصر اسلامی*، جلد ۱، تهران: نشر توس.
- مسعودی، علی بن حسین (۱۳۷۴). *مروج الذهب و معادن الجواهر*، ترجمه ابوالقاسم پاینده، جلد ۲، تهران: انتشارات علمی فرهنگی.
- معطوفی، اسدالله (۱۳۷۸). *تاریخ چهار هزار ساله ارتش ایران*، جلد ۱، تهران: انتشارات ایمان.
- مفتخری، حسین، حسین زمانی (۱۳۸۱). *تاریخ ایران از ورود مسلمانان تا پایان طاهریان*، تهران: نشر سمت.
- مفرد، محمدعلی (۱۳۸۶). *ظهور و سقوط آل زیار*، تهران: انتشارات رسانش.
- ممتحن، حسینعلی (۱۳۹۳). *نهضت شعوبیه «جنبش ملی ایرانیان در برابر خلافت اموی و عباسی»*، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- میرزاوند، مسلم (۱۳۹۳). «پیاده و سواره نظام ارتش ساسانی»، نشریه صف تهران، شماره ۴۰۵، دی ماه، صفحات ۵۳-۵۰.
- ناصر خسرو (۱۳۷۳). *سفرنامه*، به کوشش نادر وزین پور، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- نفیسی، سعید (۱۳۸۷). *تاریخ تمدن ایران ساسانی*، تهران: نشر پارسه.
- نیکول، دیوید (۱۳۹۵). *ارتش ایران ساسانی*، ترجمه محمد آقاجری، تهران: ققنوس.
- هوار، کلمان (۱۳۶۳). *ایران و تمدن ایرانی*، ترجمه حسن انوشه، تهران: امیرکبیر.
- یغمایی، حسن (۱۳۷۰). *تاریخ دولت صفاریان*، تهران: دنیای کتاب.

منابع عربی

- ابن طیفور، ابوالفضل احمد بن طاهر الکاتب (۱۴۲۳ق/۲۰۰۲م). *کتاب بغداد*، تحقیق السید عزت العطار الحسینی، قاهره: مکتبة الخانجی.

- اصفهانی، ابوالفرج علی بن الحسین (بی تا). *مقاتل الطالبیین*، تحقیق سید احمد صقر، بیروت: دار المعرفة.
- طبری، جعفر محمد بن جریر (۱۳۷۸ق/۱۹۶۷م). *تاریخ الامم والملوک*، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، المجلد ۸ و ۹، بیروت: دارالتراث.
- یعقوبی، احمد ابن ابی یعقوب (۱۹۶۰). *تاریخ یعقوبی*، المجلد ۲، بیروت: دار صادر.

منابع لاتین

- Farrokh, Kaveh (2005). *Sassanian Elite Cavalry AD 224-642*, Oxford: Osprey Publishing Ltd.
- Harper, Prudence O (1985). *The ox-headed mace in pre-Islamic Iran*, Acta Iranica.
- Nicolle, David, and Angus McBride (1996). *Sassanian Armies: The Iranian empire, early 3rd to mid-7th centuries AD*, Stockport: Montvert Publication.
- Pur Davood, Ebrahim (1969). *Zin Abzar (Armament)*, Tehran: Chakhaneye Artashe Shahanshahi.
- Sekunda, Nick, and Simon Chew (1992). *The Persian Army: 560-330 BC*, London: Osprey.
- Wilcox, Peter (1986). *Rome's Enemies: Parthians and Sassanid Persians (Men-at-Arms)*, 3, Osprey Publishing.